

□ نقد و بررسی کتاب

سون جوانگ جی^۱، اوضاع جدید و امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی، پکن: آکادمی علوم اجتماعی چین، ۲۰۰۱، به زبان چینی، ۲۹۰ صفحه.

کتاب اوضاع جدید و امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی رایکی از کارشناسان برجسته مسایل آسیای مرکزی در آکادمی علوم اجتماعی چین (مؤسسه مطالعات اروپای شرقی و آسیای مرکزی) نگاشته است. او علاوه بر مقاله‌های متعدد درباره منطقه، در نگارش کتاب دیگری زیر عنوان «چین و آسیای مرکزی» همکاری داشته که توسط آکادمی یاد شده منتشر گردیده و دفتر نشر فرهنگ اسلامی در تهران، برگردان آن را به زبان فارسی، انتشار داده است.

کتاب شامل مقدمه و ۱۱ فصل می‌باشد و در انتها، ارزیابی‌ها و اظهار نظرهایی از سوی چندتن از پژوهشگران مسایل آسیای مرکزی در دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی چین درباره آن آمده است. عناوین فصل‌ها به شرح زیرند:

فصل اول: تأثیر دگرگونی‌های جهان بر آسیای مرکزی.

فصل دوم: جایگاه جغرافیایی - راهبردی آسیای مرکزی.

فصل سوم: قدرت منطقه‌ای جدید.

فصل چهارم: پنج کشور آسیای مرکزی و جامعه بین‌المللی.

فصل پنجم: وحدت اقتصادی، فرصت‌ها و چالش‌ها.

فصل ششم: ویژگی‌های جدید امنیتی.

فصل هفتم: چالش‌های قوم‌گرایی و اسلام‌گرایی افراطی علیه امنیت آسیای مرکزی.

فصل هشتم: همکاری‌های فرا-مرزی در زمینه امنیت منطقه‌ای.

فصل نهم: چین و آسیای مرکزی در شرایط تازه جهانی.

فصل دهم: قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی: رقابت، گفتگو و همکاری.

فصل یازدهم: امنیت آسیای مرکزی در قرن بیست و یکم.

نویسنده موقعیت ژئوپلتیک کشورهای آسیای مرکزی در منطقه اوراسیا را بسیار پیچیده و جایگاه استراتژیک آن را بسیار ویژه خوانده و اظهار نظر نموده است که اوضاع جهانی در دوران پس از جنگ سرد زمینه‌ای مناسب برای ایفای نقش مؤثر این سرزمین در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی فراهم آورده است. البته چون استقلال کشورهای آسیای مرکزی امری ناگهانی و حاصل فروپاشی یکی از رقبا در نظام تک‌قطبی بوده و آمادگی قبلی در برابر آن وجود نداشته، و از سوی دیگر، این کشورها در منطقه‌ای ناآرام و تحت تأثیر مستقیم دگرگونی‌های سیاسی و امنیتی و جهانی شدن اقتصاد قرار دارند، تا حصول ثبات لازم در آنجا راهی دراز در پیش است. مهمترین عوامل داخلی، منطقه‌ای و جهانی مؤثر بر امنیت آسیای مرکزی به شرح ذیل می‌باشند:

الف) بزهکاری‌های فرا-مرزی به‌ویژه کشت و قاچاق تریاک در افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان، (اطراف دریاچه ایسیک‌کول). ازبکستان (اطراف سمرقند و سرخان دریا)، ناآرامی‌ها در افغانستان، تاجیکستان، حرکت‌های اسلام‌گرای افراطی در تاجیکستان (بدخشان)، ازبکستان (نمنگان)، قرقیزستان (منطقه اوش) و قزاقستان که هدف آنها تأسیس «حکومت اسلامی» است. همچنین قوم‌گرایی افراطی در نقاط مختلف که بعضی از آنها با ترکیب اسلام و قومیت، بر ثبات در ایالت «شین‌جیانگ اویغور» (سین‌کیانگ) چین تأثیر نهاده است؛ مسایل

دیگر از جمله رشد جمعیت مخصوصاً در ازبکستان (با میزان زادوولد ۳۲/۵ درصد مرگ و میر ۷/۵ درصد) و ترکمنستان (با زادوولد ۲۶ درصد مرگ و میر ۸/۲ درصد)، پراکندگی نامتعادل جمعیت، مهاجرت‌های غیرقانونی، اختلاف نظرها بر سر رژیم حقوقی دریای خزر، محیط زیست و غیره از عوامل بالقوه ناآرامی به‌شمار می‌روند.

ب) ناهماهنگی منافع استراتژیک کشورهای اسلامی پیرامون آسیای مرکزی از جمله ترکیه، ایران، پاکستان و عربستان با یکدیگر، محدودیت امکانات اقتصادی ایران برای ایفای نقش مؤثر در منطقه، کاهش اهمیت ژئوپلتیک پاکستان برای غرب پس از فروپاشی شوروی، همراهی ایران با روسیه و همکاری ترکیه با آمریکا و ناتو، رقابت‌ها بر سر مسیر لوله‌های انتقال نفت و گاز بین ترکیه، ایران، پاکستان و روسیه و بسیاری نکات دیگر می‌تواند موجب عدم ثبات در منطقه گردد.

پ) منافع استراتژیک قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی با یکدیگر تضادهای اساسی دارد. این منطقه یکی از شالوده‌های اصلی حضور روسیه به‌عنوان قدرت بزرگ در صحنه جهانی است و بر اوضاع داخلی آن کشور تأثیر مستقیم دارد. آمریکا و متحدان غربی، مخصوصاً آلمان، فرانسه، انگلیس و ژاپن در آسیای مرکزی منافع عمده دارند. مقابله با رقبای مهمی چون روسیه و چین، رویارویی با نفوذ فرهنگی کشورهای اسلامی در غرب آسیا، مخصوصاً ایران و عراق و بهره‌برداری از ذخایر معدنی غنی آسیای مرکزی از اولویت‌های اساسی آمریکا در آنجا است.

نتیجه‌گیری نویسنده این است که در شرایط فعلی، آمریکا و روسیه بزرگترین رقبای آسیای مرکزی به‌شمار می‌روند. در «دکترین نظامی» روسیه که در آوریل ۲۰۰۰ انتشار یافته و متمم «تئوری امنیتی» کشور در ژانویه همان سال است، آمریکا و ناتو بزرگترین تهدید نظامی خارجی خوانده شده‌اند. آمریکا نیز در منطقه منافع درازمدت دارد و در صدد کوتاه کردن دست روسیه و دیگران از آنجا است. قدرت نظامی و توان علمی و فنی و اقتصادی آمریکا پشتوانه اصلی این سیاست می‌باشد. چین، کشورهای بزرگ اروپایی و ژاپن در ردیف دوم و بعضی از کشورهای

بزرگ در جنوب آسیای مرکزی از جمله هند، ترکیه، ایران و پاکستان در ردیف سوم قرار دارند. نظر نهایی ارائه شده در کتاب این است که چین پس از فروپاشی شوروی از تهدید آن ابرقدرت در جانب غربی خود رهایی یافته و دارای منافع قوی سیاسی، اقتصادی و امنیتی در آنجا است. ازدیاد حضور سیاسی و نظامی آمریکا و ناتو در آسیای مرکزی موجب تقویت عوامل جدایی خواه طرفدار تأسیس «جمهوری اسلامی ترکستان شرقی» در ایالت شین جیانگ (سین کیانگ) می‌گردد و افزایش مناسبات اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی با کشورهای پیشرفته غربی تضمین همکاری‌های اقتصادی چین با این منطقه را مشکل می‌سازد. بنابراین، جمهوری خلق چین باید آسیای مرکزی را در چارچوب ملاحظات امنیتی جهانی خود قرار دهد و با هرگونه چالش و مشکلی علیه خود در این منطقه به‌طور جدی و فعال روبرو گردد.

پژوهشگران چینی که به بررسی و ارزیابی کتاب پرداخته‌اند و نظر آنان در صفحات پایانی آمده است عبارتند از پروفیسور «جانو چانگ چینگ»^۱ معاون هیأت علمی مؤسسه مطالعات اروپای شرقی و آسیای مرکزی آکادمی علوم اجتماعی چین و «نی شیائو چوان»^۲ پژوهشگر آن مؤسسه، «خوشی چوان»^۳ معاون بخش مطالعات آسیای مرکزی مؤسسه مطالعات روابط بین‌المللی معاصر چین و «چن مین‌شن»^۴ پژوهشگر آن مؤسسه که کتاب را جامع، منظم و دقیق و برخوردار از دیدگاه‌های تازه و قابل بهره‌برداری برای تحلیل مسایل امنیتی در آسیای مرکزی، توصیف کرده‌اند.

محمدجواد امیدوارنیا

محقق ارشد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

1. Zhao Changqing

2. Ni Xiaoquan

3. He Xiqvan

4. Chen Mingshan